

The position of the ministry institution in the structure of the Seljuk government and its similarity with the Sassanid era

Farnaz Dehghani Ismail Mahale¹
Amir Akbari*²
Omid Sepehri³

Received: 5 April 2024
Reception: 22 May 2024

abstract

The cultural and civilizational experiences of the Sassanids caused political, social and cultural influences and changes on the governments formed in Iran after Islam. The purpose of this article is to analyze and compare the benefit of the Seljuks from the political, cultural and social structures of the Sassanids using the method of historical research based on description and analysis. The review of sources, sources and articles shows that the Seljuqs, with the formation of the largest Iranian empire after Islam, needed Iranian political ideas and traditions in the artistic, cultural and social attractions of ancient Iran for the continuation of their authority and sovereignty. They owed their legitimacy and political continuity to following and following the traditions governing Iranian society, and on the other hand, they owed it to the efforts of Iranian bureaucrats. The Seljuqs, who were fascinated by Iranian culture, used Persian as their official language. As the best works of Seljuk architecture, many Islamic buildings were influenced by the best Sasanian motifs, the national and religious customs of Iranians, which arose after the fall of the Sasanians for political reasons and compatibility with this matter, Seljuk political and cultural society were revived for this reason.

Keyword: Sassanids, political, cultural and social structures of Seljuks.

¹ Doctoral student of History Department, Bojnord branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran.

² Assistant Professor, Department of History, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran. (Responsible author)

³ Assistant Professor of History Department, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran.

جایگاه نهاد وزارت در ساختار دولت سلجوقی و همانندی آن با عصر ساسانی (با نگاهی به دوران معاصر)

فرناز دهقانی اسماعیل آقا محله^۱ تاریخ دریافت: ۱۷/ ۰۱/ ۱۴۰۳
 امیر اکبری^{۲*} تاریخ پذیرش: ۰۲/ ۰۳/ ۱۴۰۳
 امید سپهری^۳

چکیده

تجارب فرهنگی و تمدنی ساسانیان باعث تأثیرات و تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر حکومت های تشکیل شده در خاک ایران پس از اسلام شد. این مقاله بر آن است تا با روش تحقیق تاریخی که مبتنی بر توصیف و تحلیل است، بهره سلجوقیان از ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ساسانیان را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. بررسی منابع، مآخذ و مقالات نشان می دهد که سلجوقیان با تشکیل بزرگترین امپراتوری ایران پس از اسلام، برای تداوم اقتدار و سیادت خود به اندیشه ها و سنت های سیاسی ایرانیان در جاذبه های هنری، فرهنگی و اجتماعی ایران باستان نیاز داشتند و آنها مشروعیت و تداوم سیاسی خود را مرهون پیروی و پیروی از سنت های حاکم بر جامعه ایران و از سوی دیگر مدیون تلاش بوروکرات های ایرانی بودند و سلجوقیان که شیفته فرهنگ ایرانی بودند، زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی خود به کار می بردند و به عنوان بهترین آثار معماری سلجوقی، بسیاری از بناهای اسلامی تحت تأثیر بهترین نقوش ساسانی قرار گرفتند، آداب و رسوم ملی و مذهبی ایرانیان که پس از سقوط ساسانیان به دلایل سیاسی و سازگاری با این امر سقوط کرده بود، به همین دلیل جامعه سیاسی و فرهنگی سلجوقیان احیا شد.

کلید واژه: ساسانیان، ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سلجوقیان.

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول)

Amirakbari84@yahoo.com

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

اهمیت فرهنگ و تمدن ایرانی و سنت های حاکم بر این فرهنگ در دوران باستان باعث تأثیرات فراوانی در دوره های تاریخی و پس از ورود اسلام به ایران و ایجاد تحولات سیاسی و مذهبی به تدریج با آمیختگی ایرانیان با اسلام و اهمیت آن شد و قلمرو ساسانی با تجربیات فرهنگی. و تمدنی که او داشت مورد توجه و اهمیت قرار گرفت.

حکومت های تشکیل شده در خاک ایران از تأثیرات فرهنگی و تمدنی ایران باستان دور نبودند و حقانیت سلجوقیان با احیای یک امپراتوری بزرگ از یک سو تداوم و اهمیت خود را در همراهی با سنت های ریشه دار جامعه خراسان و توجه به الگوهای رایج جامعه ایران می دید و از سوی دیگر تلاش بوروکرات های ایرانی در حفظ فرهنگ و سنت های ایرانی قابل توجه بود و .

با حضور گسترده اقوام ترک در شرق ایران و تشکیل حکومت های غزنوی و سلجوقی، موضوع توجه به هنر و سنت های کهن اهمیت بیشتری یافت و با تشکیل بزرگترین امپراتوری ایران پس از اسلام، سلجوقیان برای اداره امپراتوری و تثبیت مظاهر اقتدار حاکمیتی خود، به اندیشه ها و سنت های سیاسی این ایران همراه با جاذبه های هنری آن بیشتر نیازمند شدند و امپراتوری بزرگ سلجوقیان نه تنها از جهاتی با امپراتوری ساسانی برابری میکرد، بلکه در همراهی با اندیشه ها و تأثیر سنتها و هنر معماری آن پیشگام بود.

همه موارد می توانند مقایسه ای مقایسه ای از میزان این تأثیر را به ما نشان دهند.

سلجوقیان از نظر نژادی در میان ترکان غز به شمار می رفتند (حسنین، ۱۹۵۹، ص ۱۶)، آنها در زمان سامانیان از ترکستان مهاجرت کردند و در نواحی ماوراءالنهر و سواحل شرقی جزیره آبسکون ساکن شدند و با وعده غنائم به آنها خدمت کردند و برای ارتباط بیشتر با مسلمانان اسلام آوردند و گرچه مورخان در شجره نامه خود سعی کردند آنها را به افراسیاب قدیم نسبت دهند و به همین دلیل سامانیان مانع رفت و آمد آنها به سرزمین و سرزمین خود نشدند و این سرآغاز دوستی سلجوقیان و دلیل حضور آنان در کرانه رود سیحون بود به طوری که شهر جوند واقع در دره سیحون علیا را مرکز سکونت خود قرار دادند و اقدام سلجوقیان در استفاده از مراتع آن سوی رودخانه باعث ورود و ارتباط بیشتر آنان با شهرهای خراسان شد، به

طوری که تا بخارا و سمرقند به بیلاق و قشلاق خود می رفتند و پس از مرگ بنی اسرائیل سلجوقی، پسر بزرگش رهبر سلجوقیان شد و رهبری او با عظمت سلطان محمود غزنوی همراه بود و سلطان محمود که از اقتدار و افراد بی شمار سلجوقیان می ترسید و او تصمیم گرفت با مهربانی و بخشش اسرائیل رهبر سلجوقیان را فریب دهد و اسرائیل را دستگیر کرد و هفت سال در هند زندانی کرد و سلجوقیان با دستگیری و مرگ او، میکائیل را به رهبری برگزیدند و در زمان او بود که از سلطان محمود اجازه خواستند تا در نواحی نساء و ایبورد برای یافتن چراگاه سکونت کنند و قرارداد سلطان به سلجوقیان اجازه داد که از جیحون عبور کرده و وارد خراسان شوند و سلطان غزنوی گمان کرد که قدرت سلجوقیان از بین رفته است و به آنان اجازه ورود به خراسان را داد تا در مواقع لزوم از نیروی کمکی آنان استفاده کنند و با حضور مستمرتر در خراسان، قدرت و اعتبار سلجوقیان افزایش یافت به طوری که توانستند روابط سلطان محمود را با شاهزادگان ترکستان تهدید کنند و حتی راه کاروانیان را ببندند و در حدود سال ۴۱۶ ه. گروهی از سلجوقیان به رهبری ارسلان برادر میکائیل در بخارا شورش کردند و اگرچه این اقدام با واکنش شدید سلطان محمود همراه بود، اما این آغاز شورش های پی در پی سلجوقیان در سرزمین خراسان و نواحی اطراف آن بود و همینطور ادامه پیدا کرد و با مرگ سلطان محمود در سال ۴۲۱ ه. سلجوقیان نماینده ای به نیشابور فرستادند تا از والی آنجا اجازه اقامت بگیرند و سلطان مسعود برای مقابله با این تصمیم آماده جنگ با سلجوقیان شد و در ابتدا غزنویان پیروز به نظر می رسیدند، اما به مرور زمان کار این ترکان بیابانی سرگردان که از هر جهت آماده حمله بودند و شهر و تخت ثابتی برای تصرف نداشتند، دشوارتر شد و از آنجایی که مقاومت و شجاعت این قبایل قبایل بدوی همواره از شهرنشینان پایدارتر و پایدارتر است و به موازات ضعف دولت غزنوی، سلجوقیان هر لحظه سرزمین های بیشتری را تصرف می کردند و سلطان مسعود لشکرهای متعددی را برای سرکوبی سلجوقیان فرستاد که به شکست آنها انجامید و فرماندهی نیروهای سلطان مسعود را تعداد زیادی از غزنویان بر عهده داشتند و او با ترکیب کامل و سپاهیان عظیم خود به دنبال سلجوقیان شتافت و در محل نسا به مقابله با آنان پرداخت و نبرد شدیدی بین طرفین در گرفت و عده زیادی از دو طرف بر زمین افتادند و سرانجام پیروزی و پیروزی نصیب آن شد و سلجوقیان و بختغدی از این حمله گریختند و چون فراریان به خدمت سلطان مسعود

رسیدند سلطان خود به جنگ با سلاجقه رفت و چون به نیشابور رسید خیر سرداران لشکر را دید و به فکر آشتی با آنان افتاد و پیروزی سلجوقیان در نسا باعث شد که سلطان مسعود فرمان حکومت نسا را به نام طغرل، دهستان به نام چغری بیک و فراوه را به نام یابهو صادر کند، زیرا سلطان محمود باید صلح می کرد و برای رسیدگی به امور هند و این پیروزی سلجوقیان را جسور کرد تا به سرزمین های خراسان حمله کنند و سفیران مسعود قدرت سلجوقیان را برای پیشنهاد صلح بسیار زیاد می دیدند و آنها نیز قابل اعتماد نبودند (بیهقی، ص ۶۴۰) حضور سلجوقیان در خراسان سرانجام امیر خراسان را به دستور مسعود مجبور به جنگ با سلجوقیان کرد و جنگی که در شعبان ۴۲۹ هجری قمری رخ داد و در حوالی سرخس بین قوای حاکم خراسان و سلجوقیان اتفاق افتاد و به شکست سنگین غزنویان انجامید و در این نبرد شخصیت و قدرت طغرل بن میکائیل برای سپاهیان سلجوقی آشکار شد و او را به رهبری برگزیدند و این پیروزی با ورود سلجوقیان به نیشابور همراه شد و طغرل در سال ۴۲۹ به عنوان اولین سلطان سلجوقی و مؤسس این ایالت معرفی شد و خطبه ای به نام وی خوانده شد و پیروزی های سلجوقیان در خراسان خشم شدید سلطان مسعود را برانگیخت و اولین اقدام او برخورد با طغرل بود و سلطان مسعود در جنگ سخت و بزرگ با طغرل در سال ۴۳۱ ه. او در دندنگان شکست خورد و این پیروزی منجر به خروج غزنویان از سرزمین ایران و آن سوی رود نیل شد و راه حمله به نواحی غربی برای آنان هموار شد (بویل، ص ۳۱) پیروزی طغرل و امید به فتح تمام سرزمین هایی که قبلاً در زیر قلمرو غزنویان بود، او را وادار کرد تا برای ایجاد حکومتی قوی، اتحادیه بزرگ خانوادگی و قومی ایجاد کند و طغرل در آغاز کار برای استقرار اقتدار و ثبات حکومت خود هر کاری که از نظر سیاسی لازم بود انجام داد و در ابتدا نامه ای به خلیفه عباسی القائم بامرالله نوشت و از او خواست که مشروعیت حکومت سلجوقی را بپذیرد و شرایط سخت و مشکلات خلیفه در بغداد باعث تایید حکومت توسط خلیفه شد.

همچنین طغرل سرزمین های فتح شده را تقسیم کرد تا تمام قبایل سلجوقی را با خود همراه کند و حکومت مرو را به برادر بزرگش چغری داد که نفوذ او از مرو به بسیاری از نواحی خراسان سرایت کرد و بوست و هرات و سیستان را به موسی بیغا داد و طبرس و نواحی کرمان را به قاورد پسر کوچک چغری و همدان را به ابراهیم و ابهر و زنجان و نواحی آذربایجان را

به امیر یاقوتی بن چغری و دولت داد و جرجان و دامغان به کتلامش بن اسرائیل. تسلیم شد پیروزی و فتح همه این سرزمین ها برای طغرل و سلجوقیان قدرتمند متحد آنچنان سخت و دور از ذهن نبود و طغرل در سال ۴۳۴ خوارزم را که تا زمان حیات مسعود غزنوی در دست نایب السلطنه آنها بود فتح کرد و حاکمی از خود بر آن منطقه گماشت و با آرامش طغرل، فتوحات از نواحی ماوراءالنهر و خراسان به سمت غرب گسترش یافت و پس از فتح گرگان و طبرستان به ری رفت و قزوین، ابهر و زنجان در مسیر بعدی فتوحات او قرار داشتند و ابراهیم ینال که به فتح سیستان از طرف طغرل معروف بود، پس از فتح بسیاری از مناطق دیگر، خوزستان و نهروان را تا حدودی فتح کرد.

طغرل در سال ۴۴۲ هجری قمری اصفهان را محاصره کرد و سپس تمام سرزمین های فارس را تصرف کرد و حکومت دیلما را در این منطقه به کلی ساقط کرد و طغرل در سال ۴۴۶ هجری قمری عازم آذربایجان شد، تبریز، شدادی و دیگر حاکمان منطقه با فرستادن هدایا و خواندن خطبه به نام طغرل، اطاعت کردند و پس از آن آواز آسیای صغیر را خواند و بنی مروان یاربکر به نام او خطبه ای ایراد کرد و نیروی کمکی فرستاد و طغرل به ارمنستان روی آورد و ملازگرد را که در قلمرو بیزانس بود محاصره کرد و بخشی از نیروهای خود را به سمت ارز روم حرکت داد، اما با سرمای شدید زمستان مواجه شد و محاصره ملازگرد را رها کرد و به آذربایجان بازگشت (ستاره زاده، ۱۳۸۴، ص ۵۱)

سلطنت الارسلان بن چغری که ده سال از سال ۴۵۵ تا ۴۶۵ هجری قمری به طول انجامید، با لشکرکشی ها و فتوحات جدید در سرزمین امپراتوری روم همراه بود که مسلمانان هنوز به آن دست نیافته بودند و او برای موفقیت در این فتوحات به جنگ های خود جنبه دینی و رنگ جهاد داد و مواضع سپاهیان ترک سلجوقی در نواحی بین دریاچه وان و ارومیه و فتوحات آذربایجان و ارمنستان بدون واکنش رومنوس دیوجانوس امپراتور روم نبود و او لشکری دویست هزار نفری از ملل مختلف امپراتوری خود را برای مقابله با قدرت سلجوقیان آماده کرد و در سال ۴۶۴ ه. در ملازگرد آق با نیروی آلب ارسلان درگیر شد و اگرچه الارسلان این جنگ را برای خود سرنوشت ساز می دانست، اما عظمت سپاه روم، سلطان سلجوقی را متقاعد کرد که علی رغم پیروزی های اولیه، صلح کند و امتناع از صلح توسط رومانوس چاره ای جز جنگ باقی نگذاشت و آلب ارسلان فرماندهان خود را مأمور

گسترش فتوحات سلجوقیان در سرزمین روم شرقی کرده بود و در ۱۳ مارس ۱۰۷۱ امپراتور روم با سپاه خود به سمت شرق حرکت کرد و حتی از سر افتخار تصمیم گرفت ایران را فتح کند و آرامش نظامی و تاکتیک آلب ارسلان در این جنگ همانند اشکان بود و فرمان را آلب ارسلان صادر کرد و سواره نظام سلجوقی در حالی که توسط تیراندازان ماهر حمایت می شد حمله کردند و شاهنشاه برای درهم شکستن لشکر دشمن در لشکر خود با تمام لشکر به جلو رفت و سواره نظام سلجوقی را که به آرامی شروع به عقب نشینی کرده بودند تعقیب کرد و هدف سلجوقیان از عقب نشینی این بود که شاهنشاه را از اردوگاه خود بیرون کنند و دو قسمت از سواره نظام سلجوقی که در اطراف تپه ها پنهان شده بودند با دیدن دشمن در تیررس حملات تهاجمی خود را آغاز کردند و ضرباتی که از جلو و عقب به ارتش روم وارد شد، رومانوس را آگاه کرد و چون نیروی کمکی وارد نشد، لشکر او شکست خورد و حتی امپراتور روم نیز دستگیر شد و در تاریخ سلجوقی آمده است:

«سلطان در شام بود، میان اختلاط و اختلاط نایستاد، در روز بیستم آدینه سال سوم و هفتم به دوازده هزار مرد رومانوس با دویست هزار مرد رسید و اربعه در وقت نماز قبل، تا اینکه دیگر طاقت نماز را نداشت» (ناشناس، ۱۳۷۷، ص ۵۰)

این پیروزی ها منجر به تصرف تمام ارمنستان و تسلط بر آسیای صغیر شد که همواره یکی از آرزوهای مسلمانان بوده است، مسلمانانی که در دوران فتوحات خود آرزوی تسلط بر این مناطق را داشتند، تا کنون به چنین موفقیتی دست نیافته بودند.

رومانوس در حالی که مجروح شده بود اسیر شد و الارسلان با او صلح ۵۰ ساله بست و امپراتور قول داد که یک و نیم میلیون سکه طلا به عنوان غرامت بپردازد و ۳۶۰ هزار سکه طلا به عنوان خراج بدهد و انطاکیه به دست سلجوقیان افتاد (مشکور، ص ۷۳)

۱-۱- تأثیرات اندیشه سیاسی عصر باستان بر ساختار سیاسی

۱-۱-۱- نگرشهای اندیشمندان عصر سلجوقی

رهبر ترکمانان سلجوقی اولین سلطان در تاریخ ایران پس از اسلام بود که برای خود مکانی مشابه پادشاهان عصر ساسانی جستجو کرد و بنا به رسم خسروان ایران از خود به نام شاهنشاه یاد کرد (ستاره زاده ص ۱۷۰)

سلجوقیان برخلاف سلجوقیان پیش از اسلام از القاب قبل از اسلام استفاده می کردند و سلاطین سلجوقی خود را شاهنشاه (بارتولد، ص ۲۴) و پس از آن سلطان اسلام می نامیدند.

سلطان را سایه خداوند بر روی زمین می دانند که مستقیماً از سوی خداوند منصوب شده و با عدالت و فردیت آفریده شده است و طبق سنت ایرانیان قبل از اسلام است (صادقی، ۱۳۹۲، ص ۴)

تمام نهادهای سیاسی و نظامی کشور زیر نظر سلطان که مورد تایید خلفا بود اداره می شد تا به عنوان نایب در منطقه تحت نفوذ خود قدرت داشته باشد (اکبری ص ۴۹)

در حکومت سلجوقی، سلطان در رأس هرم سیاسی و اداری بود و او سایه... بزرگ و برجسته بود و خداوند با علم به اینکه پادشاهی و تاج و تخت خدایی دارد خواهد آمد، پس باید از آنها اطاعت کرد (صادقی سامرجانی ص ۳)

با توجه به اهمیت و تأثیر اندیشه های سیاسی دوران باستان بر نگرش های سیاسی عصر سلجوقیان، توجه به اهمیت فرقه یزیدیه و ضرورت وحدت دین و دولت در ساختار سیاسی ضروری است و دولت ساسانی، به طوری که پس از آن، دلایل بازخورد این اندیشه ها یا ضرورت های سیاسی عصر سلجوقی در توجه به این نمادهای سیاسی یافت شد.

۱-۲- خواجه نظام الملک، تأثیر از سیاست ملکان عجم و توجه به اندیشه های سیاسی عصر ساسانی

۱-۲-۱- اندیشه های سیاسی خواجه نظام الملک، تأثیر از فره ایزدی و وحدت دین و دولت

خواجه نظام الملک در کتاب خود که طرحی از افکار اوست تصمیم می گیرد اقتدار پادشاهی عصر سلجوقی را با عظمت امپراتوری باستان گره بزند و او برای نشان دادن عظمت گذشته ساسانی نمونه های زیادی از شیوه فرمانروایی پادشاهان عصر ساسانی می آورد و در این راستا، محور اصلی تحلیل سیاسی خواجه در کتاب خط مشی حاکم است و خواجه می کوشد راه و رسم حکومت یا به عبارتی راه حفظ قدرت سیاسی را نشان دهد.

خواجه نظام الملک مانند خاندان برمک و خاندان سهل که سعی در نزدیک کردن دستگاه خلافت به سنت های ایران باستان داشتند و بر اساس آن، آن را با نظام اجتماعی ایران قبل از اسلام همسو کند و شاه در این زمینه عادل

را دارای لطف الهی می داند و دایره قدرت خود را بسیار وسیع می داند و می نویسد:

«اگر پادشاه سعادت‌مند و علم دوست او باشد، سعادت دو عالم را خواهد یافت» (سیاست، ص ۷۱). «اویند» (سیاست، ص ۶) در این باره در ذکر داستان بهرام گور که رعایا را گله خود می داند (سیاست، ص ۲۷) بیان می کند که هیچ بزرگواری حق سرپیچی از چنین سلطانی را ندارد و، (ص ۲۵) خواجه بر خلاف ماوری که در احکام سلطانیه از شریعت و امامت دفاع می کند، پادشاهی را که از جانب خدا برگزیده و دارنده تاج سلطنتی را برتر می داند و می نویسد: «در هر عصر و زمان، خدایا. حق تعالی یکی را از میان مردم برمی گزیند و به تاج شاهی می آراست تا در میان مردم جهان به عدالت پردازد و هرج و مرج و فتنه را بخواباند». (سیاست، ص ۵)

خواجه نظام الملک خود به عنوان یک شافعی متعصب، گرچه در مورد شاه دیدگاه سیاسی دارد و به عنوان اهل سیاست و اصول کشورداری صحبت می کند، اما به وظیفه شاه در قبال دین و حمایت از آن توجه ویژه دارد و. این جهت، اندیشه و ضرورت وحدت دین و حکومت ساسانی را مورد توجه قرار می دهد و آنچه خواجه در سیاست درباره این وحدت ذکر می کند متاثر از احکام اسلامی نیست، بلکه این نوع نگرش کاملاً با اندیشه عصر ساسانی مرتبط است و مفهوم وحدت دین و حکومت در واقع تنها ابتکار ساسانیان بود (کریستین سن، ص ۱۱۷) که قبلاً به آن اشاره ای نشده بود، چنان که در مقاله او آمده است: «اردشیر بابکان با یافتن موردی جدید آمدشاهی را تزیین کرد و آئین مزدینی را رواج داد و آیین های بسیاری را آراسته کرد (فرنیه دادگی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۵). خواجه نیز به این مقوله توجه ویژه ای داشته است و می نویسد: «بهترین چیزی که یک پادشاه باید داشته باشد، دین حق است، زیرا پادشاهی و دین مانند دو برادر هستند و هر گاه در مملکت اضطرابی باشد، در دین اغتشاش شود، بد دین و مفسد ظاهر شوند، و هر گاه کار دین مختل شود، پادشاهی قیام می کند و مفسد قوت می گیرد و پادشاه. بدون شکوه و رنج باشد و بدعت آشکار شود و خوارج ناگزیر شوند» (سیاست، ص ۷۰) آنچه قبلاً از زبان فردوسی در مورد برادری پادشاهی و دین و لزوم پیوند هر یک از آنها به آن اشاره شد و دیگر دقیقاً در گفتار نظام الملک منعکس شده است و حتی نظام الملک نیز به شاه توصیه می کند که به این موضوع توجه بیشتری کند و می نویسد: «بر شاه واجب است در دین تحقیق کند و به احادیث پردازد و دستورات خداوند متعال را

واجب کند و تعطیل کار خود را واجب کند و به علمای دین احترام بگذارد به گونه ای که هفته ای یک یا دو بار علمای دین را پیش روی خود بگذارد و دستورات حق تعالی را از آنان گوش کند و استماع کند و به تفسیر قرآن و اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. و هیچ دین بد و بدعتی نمی تواند او را از سر راه بردارد و قوی رای بیاورد» (سیاست، ص ۶۹) اما روشن است که اندیشه سیاسی خواجه نظام الملک نیز متأثر از عرف است و پادشاهان عجم از نظر وحدت دین و حکومت تحت تأثیر قرار گرفت.

۱-۲-۲- خواجه نظام الملک و توجه به سیاست ملکان عجم

ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی ملقب به خواجه نظام الملک در سال ۴۰۸ هجری قمری. در نوغان طوس به دنیا آمد و هوش سرشارش در کودکی باعث شد که به تحصیل و توجه به علم بپردازد و در جوانی به کار درباری مشغول بود و در زمان آلب ارسلان به وزارت برگزیده شد و اوج قدرت خواجه در زمان ملکشاه بود تا جایی که ملکشاه جوان ۲۰ ساله تمام امور پادشاهی خود را به خواجه سپرد و خواجه قلمرو وسیع سلجوقیان را از آن زمان در دست داشت و آن سوی رودخانه، آذربایجان، بیست سال. او بر ارمنستان و نواحی مرکزی ایران به سمت جنوب و خلیج فارس، شمال عراق و شام و سرزمین های آسیای صغیر تحت اقتدار وزارت خود و کفایت قدرت خود حکومت می کرد.

شاه جوان از مقامات حکومتی خواست که تحت امر خواجه نظام الملک قرار گیرند و قلمرو طوس را به او سپردند و خواجه امور ولایات و امور درباری را به فرزندان خود سپرد و ثروت و قدرت فراوانی به دست آورد.

در نهاد خواجه نظام الملک علم و تدبیر و سیاست و قدرت و تکبر و خرد و هوش در هم آمیخته بود به گونه ای که سایه قلم و دعای خواجه بر شمشیر بندگان شکافی سنگین ایجاد کرد و مقام رفیع و قدرت بی بدیل خواجه نظام الملک حسادت ورقیبانان را برانگیخت و توسل آنان به شاه موجب بدبینی و ترس شاه جوان نسبت به اختیارات وزیر ایران شد.

خواجه نظام الملک در دلیل تألیف کتاب، آشنایی با آداب و رسوم پیشینیان را ضروری ذکر می کند و ذکر می کنند که در سال ۴۷۹ ملک مالک جمعی از بزرگان و حکما را گرد آورد و فرمود:

«هر یک از شما در معنای مال بیندیشید و ببینید در عصر روزگار چقدر خوب است و شرط آن بر در و دربار و در مجلس ما محقق نمی شود و یا از ما پوشیده است و چه شغلی است که قبلاً پادشاهان شرایط را

انجام می دادند و ما آن را فراهم نمی کنیم همچنان به تمام آداب و رسوم پادشاهان و آنچه در گذشته در مورد پادشاهان سلجوقی رخ داده است فکر کنید؟ واضح بنویسید و به ما ارائه دهید تا در آن تأمل کنیم (طوسی، ۱).

خواجه نظام الملک در اهمیت کتاب خود می گوید:

وی با بیان اینکه برای هیچ پادشاه و حکم خدا راهی برای داشتن و شناخت این کتاب وجود ندارد، یادآور می شود: مطالعه کتاب سیاست «افزایش آگاهی» و «راه تدابیر صحیح به روی آنها باز می شود و دستور و قوانین دروازه و بارگاه و مجلس میدان و ملک و امور و احوال لشکر و رعایا برایشان روشن شود.

البته لازم به ذکر است که لزوم توجه به آداب و رسوم پادشاهان پیشین و نیز وابستگی به وزرای ایران و یا توجه ویژه وزرای ایرانی به آداب و سنن کهن و یا به روایت سیاست ها. شاهان خارجی در تاریخ ایران پس از اسلام سابقه طولانی دارد و حضور و ورود اسلام به ایران به گونه ای بود که از همان ابتدا جایگاه رفیع فرهنگ و تمدن ایرانی در مقایسه با دیگر سرزمین های فتح شده مسلمانان نمایان و قابل تشخیص بود و ایرانیان از جمله اقوام بودند که توانستند ایرانی بودن خود را حفظ کنند و این ایرانی بودن را همسو و هماهنگ با اسلام دنبال کنند و نقش ایرانیان در ظهور عباسیان بسیار زیاد بود، زیرا اولین دوره عباسی دوره اقتدار وزرای ایرانی بود و نقش برامکه و خاندان سهل در توجه به آداب و رسوم ایرانیان یکی از مهمترین عوامل درگیری عناصر عرب و ایرانی برای نفوذ در دستگاه خلافت به شمار می رفت (اکبری ص ۲۹)

برمکیان حلقه میانی وزرای دوره ساسانی و اسلامی بودند و در واقع راه را برای وزرای هموار کردند که وحدت ملی و تداوم فرهنگی آنها در سایر اعصار اسلامی بدون پیروان آنها ممکن نبود و زمینه مساعدی برای اعلام و اعلام وابستگی به دوران باستان و انتساب شجره نامه خود به حکومت های باستانی بود، به طوری که خانواده ها و امیران محلی که خواهان پیشرفت بودند، علاقه بیشتری به نسبت دادن پیشینه های باستانی نشان دادند و طاهریان می خواستند از نسل رستم الریار از کاوه، آل بویه از بهرام گور، سامانیان از بهرام چوبین و سرانجام سلجوقیان از افراسیاب باشند (نظام الملک، ص ۷) او با ذکر پاره ای از نگرش های سیاسی او در کتاب سیاست می کوشد میان نظریه آرمانی سلطنتی ایرانشهری و آموزه های اسلامی پیوند

برقرار کند و سلجوقی و تعمیم اندیشه پادشاهی آرمانی به افراسیاب تورانی سلطان نسبت به سنت پادشاهان عجم. (طباطبایی ص ۵۷)

ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی ملقب به خواجه نظام الملک در سال ۴۰۸ هجری قمری. در نوغان طوس به دنیا آمد و هوش سرشارش در کودکی باعث شد که به تحصیل و توجه به علم بپردازد و در جوانی به کار درباری مشغول بود و در زمان آلب ارسلان به وزارت برگزیده شد و اوج قدرت خواجه در زمان ملکشاه بود تا جایی که ملکشاه جوان ۲۰ ساله تمام امور پادشاهی خود را به خواجه سپرد و خواجه قلمرو وسیع سلجوقیان را از آن زمان در دست داشت و آن سوی رودخانه، آذربایجان، بیست سال. او بر ارمنستان و نواحی مرکزی ایران به سمت جنوب و خلیج فارس، شمال عراق و شام و سرزمین های آسیای صغیر تحت اقتدار وزارت خود و کفایت قدرت خود حکومت می کرد.

شاه جوان از مقامات حکومتی خواست که تحت امر خواجه نظام الملک قرار گیرند و قلمرو طوس را به او سپردند و خواجه امور ولایات و امور درباری را به فرزندان خود سپرد و ثروت و قدرت فراوانی به دست آورد.

در نهاد خواجه نظام الملک علم و تدبیر و سیاست و قدرت و تکبر و خرد و هوش در هم آمیخته بود به گونه ای که سایه قلم و دعای خواجه بر شمشیر بندگان شکافی سنگین ایجاد کرد و مقام رفیع و قدرت بی بدیل خواجه نظام الملک حسادت ورقیبانان را برانگیخت و توسل آنان به شاه موجب بدبینی و ترس شاه جوان نسبت به اختیارات وزیر ایران شد.

خواجه نظام الملک در دلیل تألیف کتاب، آشنایی با آداب و رسوم پیشینیان را ضروری ذکر می کند و ذکر می کنند که در سال ۴۷۹ ملک مالک جمعی از بزرگان و حکما را گرد آورد و فرمود:

«هر یک از شما در معنای مال بیندیشید و ببینید در عصر روزگار چقدر خوب است و شرط آن بر در و دربار و در مجلس ما محقق نمی شود و یا از ما پوشیده است و چه شغلی است که قبلاً پادشاهان شرایط را انجام می دادند و ما آن را فراهم نمی کنیم همچنین به تمام آداب و رسوم پادشاهان و آنچه در گذشته در مورد پادشاهان سلجوقی رخ داده است فکر کنید؟ واضح بنویسید و به ما ارائه دهید تا در آن تأمل کنیم (طوسی، ۱).

خواجه نظام الملک در اهمیت کتاب خود می گوید:

وی با بیان اینکه برای هیچ پادشاه و حکم خدا راهی برای داشتن و شناخت این کتاب وجود ندارد، یادآور می شود: مطالعه کتاب سیاست «افزایش

آگاهی» و «راه تدابیر صحیح به روی آنها باز می شود و دستور و قوانین دروازه و بارگاه و مجلس میدان و ملک و امور و احوال لشکر و رعایا برایشان روشن شود.

البته لازم به ذکر است که لزوم توجه به آداب و رسوم پادشاهان پیشین و نیز وابستگی به وزرای ایران و یا توجه ویژه وزرای ایرانی به آداب و سنن کهن و یا به روایت سیاست ها. شاهان خارجی در تاریخ ایران پس از اسلام سابقه طولانی دارد و حضور و ورود اسلام به ایران به گونه ای بود که از همان ابتدا جایگاه رفیع فرهنگ و تمدن ایرانی در مقایسه با دیگر سرزمین های فتح شده مسلمانان نمایان و قابل تشخیص بود و ایرانیان از جمله اقوام بودند که توانستند ایرانی بودن خود را حفظ کنند و این ایرانی بودن را همسو و هماهنگ با اسلام دنبال کنند و نقش ایرانیان در ظهور عباسیان بسیار زیاد بود، زیرا اولین دوره عباسی دوره اقتدار وزرای ایرانی بود و نقش برامکه و خاندان سهل در توجه به آداب و رسوم ایرانیان یکی از مهمترین عوامل درگیری عناصر عرب و ایرانی برای نفوذ در دستگاه خلافت به شمار می رفت (اکبری ص ۲۹)

برمکیان حلقه میانی وزرای دوره ساسانی و اسلامی بودند و در واقع راه را برای وزرای هموار کردند که وحدت ملی و تداوم فرهنگی آنها در سایر اعصار اسلامی بدون پیروان آنها ممکن نبود و زمینه مساعدی برای اعلام و اعلام وابستگی به دوران باستان و انتساب شجره نامه خود به حکومت های باستانی بود، به طوری که خانواده ها و امیران محلی که خواهان پیشرفت بودند، علاقه بیشتری به نسبت دادن پیشینه های باستانی نشان دادند و طاهریان می خواستند از نسل رستم الیاریار از کاوه، آل بویه از بهرام گور، سامانیان از بهرام چوبین و سرانجام سلجوقیان از افراسیاب باشند (نظام الملک، ص ۷) او با ذکر پاره ای از نگرش های سیاسی او در کتاب سیاست می کوشد میان نظریه آرمانی سلطنتی ایرانشهری و آموزه های اسلامی پیوند برقرار کند و سلجوقی و تعمیم اندیشه پادشاهی آرمانی به افراسیاب تورانی سلطان نسبت به سنت پادشاهان عجم. (طباطبایی ص ۵۷)

۲- نتیجه گیری

پس از ورود اسلام به ایران، تحولات سیاسی و مذهبی ایجاد شد و به تدریج با آمیختگی هر چه بیشتر ایرانیان با اسلام، تجربیات ارزشمند فرهنگی و تمدنی ساسانیان در نزد حکومت های اسلامی قابل توجه و اهمیت یافت.

با حضور گسترده اقوام ترک در شرق ایران و تشکیل حکومت های غزنوی و سلجوقی، موضوع توجه به هنر، فرهنگ و سنت های کهن اهمیت بیشتری یافت و از منظر سیاسی، سلجوقیان با تشکیل بزرگترین امپراتوری تاریخ ایران پس از اسلام، برای اداره امپراتوری و تثبیت حاکمیت آن به اندیشه های سیاسی، سنت های ایرانی در کنار جاذبه های هنری خود بیشتر نیازمند شدند.

بر کسی پوشیده نیست که خواجه نظام الملک تصمیم گرفت با تکیه بر اندیشه های سیاسی خود، اقتدار پادشاهی سلجوقی را با عظمت امپراتوری باستان پیوند دهد و او برای نشان دادن عظمت گذشته ساسانی و با سرمشق ساختن بوروکراسی ساسانی، شیوه و آداب و رسوم حکمرانی و نحوه حفظ قدرت سیاسی آنان، نمونه های فراوانی از شیوه فرمانروایی پادشاهان عصر ساسانی بیان می کند و امپراتوری سلجوقیان توسط بوروکرات های ایرانی و به روش شاهان عجم اداره می شد و کند

پس از اسلام گرایش به آداب و رسوم، فرهنگ و هنر عصر ساسانیان شدت گرفت و توجه به برخی اعیاد باستانی می تواند نشان دهنده تمایل جامعه سیاسی و فرهنگی سلجوقی به احیای آداب و رسوم ایرانی باشد و جدای از اهمیت علمی این جشن ها، می توان از لحاظ توجه به مطالبات عمومی جامعه نیز مورد استقبال قرار گرفت.

می توان ادعان داشت که سلجوقیان به جنبه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کار توجه ویژه ای داشتند و علمای بزرگ تلاش زیادی کردند تا جشن های باستانی را در جایگاه واقعی و واقعی خود قرار دهند.

دوره سلجوقیان را می توان دوره درخشان معماری ایران دانست زیرا در این دوره هنر معماری شکوفا شد و به کمال رسید و هنرمندان و معماران چیره دست آثار بسیاری خلق کردند.

در این عصر، صنایع و معماری نه تنها در داخل ایران زنده و با عشق و نوآوری دنبال میشد، بلکه فتوحات سلجوقیان اصول صنایع را تا سواحل مدیترانه و حتی شمال آفریقا و به همین دلیل دوره سلجوقیان گسترش داد و از نظر سبک و سبک هنری در تاریخ هنر ایران جایگاه ویژه ای دارد.